

یادداشت سردبیر

خطر بیخاصیت کردن سازمان ملل متحد، شورای امنیت و نهادهای حقوقی بین‌المللی توسط ایالات متحده، امروزه به یکی از چالشهای بنیادین نظام بین‌الملل تبدیل شده است. این تهدید نه تنها ساختار قدرت را در سطح جهانی دستخوش تغییر کرده، بلکه اعتبار و مشروعیت هنجارهای حقوقی بین‌المللی را نیز با مخاطره مواجه ساخته است.

۱. فلج‌سازی شورای امنیت؛ کارزار وتوهای نامشروع و ظالمانه

مهمترین جلوه این بیخاصیتی، استفاده راهبردی آمریکا از حق وتو در شورای امنیت است. این نهاد که بر اساس منشور ملل متحد، برای «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» ایجاد شده، در عمل به ابزاری برای پیشبرد منافع ضدانسانی یک کشور مستبد و هنجارشکن تبدیل شده است. برای نمونه، وتوی مکرر قطعنامه‌های آتش‌بس در غزه توسط دولت ظالم و آدمکش آمریکا - که گاه با مخالفت چهارده عضو دیگر شورا همراه بوده - نشان‌دهنده «فلج نهادی» ناشی از اولویت‌دهی به منافع و مطامع این طاغوت زمانه بر اصول انسانی است. این اقدامات، شورای امنیت را به نهادی ناکارآمد تبدیل کرده که دبیرکل سازمان ملل نیز آن را «دیگر بازنماینده جهان» نمیداند.

۲. خروج از معاهده‌های بین‌المللی؛ تضعیف نهادهای حقوقی و اجتماعی

در کنار فلج‌سازی شورای امنیت، راهبرد دوم، خروج یکجانبه آمریکا از نهادهای بین‌المللی است. در اقدامی بیسابقه، آمریکا از ۶۶ سازمان بین‌المللی، از جمله نهادهای کلیدی وابسته به ملل متحد در حوزه‌های اقلیم، توسعه و برابری نژادی و قومی خارج شده است. این اقدام با اعتراف و قبحانه «تقدم منافع آمریکا بر اهداف جهانی گرایانه» توجیه شده، اما پیامد آن، اختلال در مأموریت‌های حیاتی این نهادها و ایجاد خلأ در حکمرانی حقوق و قوانین مورد اتفاق جهانی است.

۳. چالش با دیوان کیفری بین‌المللی؛ تضعیف حاکمیت قانون

تهدید سوم، مقابله مستقیم با نهادهای حقوقی، بویژه دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) است. آمریکا با تهدید، تحریم و اعمال فشار بر قضات این دیوان، بویژه در تقابل با رأی دیوان

مبنی بر جنایتکار جنگی بودن رئیس رژیم صهیونی، در عمل مانع از اجرای احکام، پیگرد و پیگیری و مسئولیت‌پذیری بین‌المللی می‌شود. این رفتار، رویه‌یی گزینشی را ترویج می‌دهد که در آن، آمریکا خود را «شاخص و معیار سنجش حقوق بین‌الملل» دانسته و تنها در صورت همجهتی با منافعش، از آن حمایت می‌کند. بعلاوه، خودداری این رژیم روسیاه از امضای معاهدات کلیدی حقوق بشری، گواهی بر این رویکرد دوگانه و البته ضدانسانی اوست.

۴. اعتراف به بحران مشروعیت از نگاه دبیرکل سازمان ملل

آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، با صراحت به این بحران اذعان کرده و گفته است آمریکا «قدرتش را مهمتر از قوانین بین‌المللی میداند». او هشدار داده که «قانون قدرت» در حال جایگزینی «قدرت قانون» است و سازمان ملل «هیچ اهرم فشاری» برای وادار کردن قدرتهای بزرگ به رعایت قوانین بین‌المللی ندارد. این اظهارات، نشان از عمق بحران مشروعیتی دارد که نظام ملل متحد با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ بحرانی که از زمان تصویب اعلامیه حقوق بشر در قرن گذشته تاکنون بیسابقه بوده و نشان از حفره‌های عمیق اخلاقی، حقوقی و معرفتی اندیشه مدرن و بنیانگذاران آن دارد.

۵. پیامدهای راهبردی و افق پیش‌رو

تداوم این روند، نظم بین‌المللی را با چندین پیامد جدی مواجه خواهد کرد:

- بی‌اعتباری قوانین بین‌المللی: تبدیل حقوق بین‌الملل به ابزاری گزینشی در دست قدرتهای نظامی و سیاسی و اقتصادی.
- افول نقش سازمان ملل: کمرنگ شدن نقش این سازمان در حل و فصل منازعات و جایگزینی آن با ائتلافهای موردی قدرتها.
- شکاف در نظم جهانی: افزایش بی‌اعتمادی کشورها به نظام چندجانبه و تشویق به اتخاذ رویکردهای یکجانبه.

در مجموع، اقدامات آمریکا و همراهی یا سکوت اروپا بعنوان مدعی لیبرالیسم و حقوق مدنی، نه یک تهدید موقتی، بلکه تهاجمی نظاممند به بنیانهای نظم حقوقی بین‌المللی است که میتواند سازمان ملل را به نهادی تشریفاتی و بی‌اثر تبدیل کرده و راه را برای هرج و مرجی هموار سازد که در آن، زور بر قانون حاکم خواهد بود. این تهدید از سوی دیگر، خلأها و رخنه‌های مدرنیته در ایجاد جهانی سرشار از صلح و امنیت و وعده‌های خیالی معماران تجدد را بیش از پیش آشکار می‌کند. آنچه امروزه بتردید سرشت تبهارانه، هنجارشکنانه و فرعون‌ی نماد قدرت مدرن، یعنی آمریکا را نمایان ساخت، مقاومت و حماسه جاویدان مردم شریف ایران در نیم قرن اخیر و بویژه در خلال جنگ تحمیلی یک سال و چند ماه اخیر بوده است که در مجالی دیگر به ابعاد تاریخی و جهانی آن خواهیم پرداخت.

سردبیر

